



یادآوری این امر ضروری است که: از نگران‌کننده‌ترین پدیده‌های تباهی‌آور عصر حاضر، موضوع مقایسه میان آفرینش زن و مرد و نتیجه‌گیری‌های ناروایی است که در پی آن مقایسه‌ها صورت می‌پذیرد.

مقایسه توانایی جسمی و روحی زن و مرد - مانند میزان رشد قد، وزن، اندام، قلب، مغز و ... برای شناخت حدود توانایی هر جنس، پدیده‌ای صحیح و پسندیده است، اما این که بخواهیم در پی مقایسه، یکی را برتر و دیگری را فروتر بدانیم یا با توجه به برخی امتیازات مشترک، در همه چیز و همه وقت و همه جا آن دو را مساوی

آنچه در این نوشته می‌خوانید طرح یک شبهه پیرامون حقوق زنان، و بیان پاسخ آن است. پیش فرض این نگاشته بر پذیرش برخی تبعیض‌ها میان زن و مرد نیست، تا آنگاه بخواهیم در صدد توجیه آن برآییم. هدف تبیین تفاوت‌هایی است که سبب شده است حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد از یکدیگر متمایز شود. بدین سبب با ارائه تحلیل و تفسیرهایی که بیشتر گویای حکمت احکام است و به جنبه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نظر دارد به موضوع نابرابری ارث زن و مرد می‌پردازیم.

پیش از تبیین شبهه و ارائه پاسخ،

سهم فرزند پسر در ارث دو برابر سهم دختر است. بر همین اساس در انبوه روایات شیعه و سنی و نیز قانون مدنی کشور، همین حکم جاری است.

### پیش فرض‌ها

(الف) در آیه نامبرده سخن از تفاوت ارث فرزندان دختر و پسر است نه جنس مذکر و مونث، در همه فرض‌های تقسیم ارث.

(ب) در برخی حالات، ارث زن و مرد مساوی و گاه ارث زن بیشتر از ارث مرد است.

(ج) آنچه نباید در حقوق میان اشخاص راه یابد تبعیض است، نه تفاوت.

ارث نیز مانند دیگر پدیده‌هاست که به سبب آن نباید هیچ تبعیضی میان زن و مرد پدید آید، هر چند ممکن است به دلایلی سهم ارث اعضای یک خانواده متفاوت باشد.

با توضیحات آینده، هر یک از این امور روشن‌تر می‌شود.

### پاسخ و توضیح

در عصر نزول آیات ارث، با توجه به افکار عرب جاهلی نسبت به زن،

یکدیگر بپنداریم و از حقوق یکسان بهره‌مند سازیم، شک نیست که به راه نادرست گاه نهاده‌ایم.

با بی‌توجهی به عوامل تمایز آفرین میان زن و مرد، بزرگترین حقی که از زن و بلکه مرد ضایع می‌گردد حق «تفاوت بودن» زن و مرد است.

«بر پایه اصول و آموزه‌های روان‌شناسی و فیزیولوژی، تفاوت‌های جسمی و تمایز غدد و نحوه رشد اندام، اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار بر تفاوت‌های روحی و روانی است.»<sup>۱</sup> و همین امر عامل وجود تفاوت میان حقوق و امتیازات هر جنس (زن و مرد) است.

با این همه هیچ آیین آسمانی و عقل سالم بشری نگفته است که تفاوت در آفرینش زن و مرد به مفهوم انکار اصل «انسانیت مساوی» است. آیا اگر هر یک از این دو جنس نتوانند به برخی از وظایف دیگری بپردازند، بدین معناست که میان آن دو تفاوت نکوهیده (تبعیض) قائل شده‌ایم؟

### نابرابری ارث زن و مرد

طرح موضوع: بر پایه آیه ۱۱  
سوره نساء ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَلَدْنَ غَيْرَ مِثْلِ حَقِّ الْأُنثَىٰ﴾

ستیز واداشته شوند.

بدین سبب موضوع ارث زن طوری تشریح شد که مردان انحصار طلب به ژرفای آن پی نبرند تا در مقابلش جبهه گیری کنند. در عصری که زن خود میراث شناخته می شد، اسلام برای جنین در رحم مادر نیز ارث مقرر ساخت و چنین امری در هیچ یک از جوامع بشری نظیر و سابقه نداشت و نیز ارث، طبقه بندی شده و در همه شرایط، ارث همسر و مادر محفوظ داده شد. «لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا»<sup>۵</sup> «برای فرزندان اناث نیز سهمی از ترکه چه مال اندک باشد یا که بسیار، نصیب هر کس از آن [در کتاب حق] معین گردیده است.» «وَلَا يُوْنِيهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ»<sup>۶</sup> «و فرض هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه است.» «و لَهُنَّ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَوَلَدٌ وَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَوَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَنَّ»<sup>۷</sup> «و سهم ارث زنان ربع ترکه شما مردان است اگر دارای فرزند نباشید و چنانچه فرزند داشته باشید برای آنها یک هشتم خواهد بود.» بر همین اساس اگر

هیچ زمینه‌ای برای طرح حقوق زن وجود نداشت. در نگاه ایشان زن جزو دارایی مرد قرار داشت که اگر شوهرش می مرد خود مانند دیگر اموال متوفی به میراث، نصیب دیگر بازماندگان قرار می گرفت.<sup>۲</sup>

زنان در میان همه اقوام و ملل بشری به هیچ یک از عناوین همسر، مادر، دختر و خواهر، ارث نمی بردند و اسلام در این زمینه انقلاب به وجود آورد.<sup>۳</sup>

در دیگر تمدن‌ها اموال مردگان تابع قانون زور به فرد نیرومندتر می رسید و گاه نه فقط زنان که همه فرزندان پسر نیز از آن محروم می شدند و آن که زورمندتر بود همه اموال را تصاحب می کرد.<sup>۴</sup>

رسول اکرم ﷺ که به تعلیم الهی آگاه ترین فرد به رویدادها و افکار زمان خود بود و خوب می دانست که طرح مسایل حقوقی زنان در آن دوره، با واکنش فراگیر روبرو خواهد شد، در تشریح احکام، زیرکانه به گونه‌ای گام برداشت که نه زن از حق خود محروم ماند، نه مردان در مقابل آن به واکنش و

ناچار است نخست به سهم خواهر اعتراف کند و میزان آن را بداند، سپس حق خود را که دو برابر است، بردارد.

بدین مقدار مرد دلخوش از دو برابر بودن سهمیه خود است و چندان اعتراضی به حکم ندارد و زن محروم گذشته نیز از این که با احترام، بخشی از ارث به وی تعلق گرفته خرسند است. با این تقسیم - به طور مثال از دوازده میلیون تومان پول که از پدری به تنها دختر و پسرش به ارث برسد، چهار میلیون سهم دختر می شود و هشت میلیون سهم پسر. این به ظاهر پایان تقسیم ارث میان دختر و پسر (مرد و زن) است ولی در حقیقت کار به پایان نرسیده است.

بهره زن در هنگام تقسیم ارث، نصف بهره مرد است ولی از طرفی از سوی خداوند میان زن و مرد احکامی مقرر شده است که این کاستی برای زن جبران می شود و چه بسا سهمیه او بیشتر از مرد می گردد. زیرا با طرح چند وظیفه بر مرد، او موظف به پرداخت مخارجی است که زن عهده دار آن نیست. برخی از آن ها بدین قرار است:

بازماندگان متوفا تنها منسوبین مادر باشند، ارث به طور مساوی میان آنان تقسیم می شود.<sup>۸</sup>

دشوارترین آیه ای که از حق ارث زنان سخن می گفت آیه «وَلِلَّذَرِّمِثْلِ حَظِّ الْأُنثَيْنِ» است. بر طبق این آیه، زن نیز از ارث بهره می برد، اگر چه به مقدار نصف مرد. این آیه برخوردار از لطایفی است که بدان اشاره می کنیم:

حق زن به ظاهر پس از حق مرد مطرح شده است، ولی در واقع پیش از حق مرد تثبیت و ادا می شود.

توضیح: آیه نمی فرماید مردان دو برابر زنان یا زنان نصف مردان ارث می برند. بلکه می فرماید از میان فرزندان سهم هر پسر، برابر سهم دو دختر است. پس ابتدا از سهم فرزندان پسر سخن به میان می آید ولی مقدار آن را به تعیین سهم دختر واگذار می کند. بدین معنی که معیار در مقدار سهم مرد، معین شدن سهم زن است. گویا به پسری می گویند، شما ارث فراوان برده اید ولی مقدار آن معلوم نیست. تنها همین معلوم است که سهم شما دو برابر سهم خواهرتان است. بنابراین او

مصرف زن می‌رسد و گاه بهره واقعی او از نصف ارث هم کمتر می‌شود. بنابراین باید سهمیه زن و مرد در این موضوع را به حقوق و درآمد تعبیر کنیم. زن حقوق کمتری از مرد دارد ولی در واقع درآمد وی مساوی با او یا بیشتر از وی است.

افزون بر همه اینها، زن ناچار نیست حاصل دسترنج خود در بیرون خانه را به مصرف خانه برساند. آنچه او کسب می‌کند در خانه باشد یا بیرون به خود او تعلق دارد؛ در حالی که مرد حاصل کار خود را - به دلیل حقوقی که بر عهده اوست - به خانه می‌آورد و به مصرف خانواده‌اش می‌رساند.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- انسان موجود ناشناخته، ص ۷۴ و ۱۵۲، به نقل «کتاب نقد»، ش ۱۲، ص ۵۶ و ۵۷.
- ۲- ر. ک: تفسیر سوره نساء، آیه ۲۲.
- ۳- حضارة العرب، گوستاولوبین، به نقل «کتاب نقد»، ش ۱۲، ص ۱۰۸.
- ۴- حقوق زن در اسلام و اروپا، حسن صدر، ص ۱۵.
- ۵- نساء/ ۹.
- ۶- نساء/ ۱۳.
- ۷- نساء/ ۱۲.
- ۸- قانون مدنی ایران.
- ۹- علل الشرایع، ج ۲، باب ۳۷۱.

۱- پرداخت مخارج خانواده (همسر، فرزندان، پدر و مادر): زن در این مرحله وظیفه‌ای ندارد و هر چند ثروتمند باشد، تأمین مخارج زندگی بر عهده مرد است.

۲- پرداخت دیه: هرگاه فرزندان (دختر یا پسر) به سبب انجام کاری به پرداخت دیه محکوم شوند، در حقیقت مرد است که باید این دیه را بپردازد نه زن. هرگاه فامیل هم ناچار به پرداخت دیه شوند، مردان فامیل عهده‌دار پرداخت آن جریمه‌اند نه زنان.<sup>۹</sup>

۳- پرداخت مهریه: در خواستگاری و ازدواج، مرد است که به زن مهریه می‌دهد نه به عکس.

۴- مخارج کارخانه و شیر دادن به بچه‌ها: مرد وظیفه دارد که در صورت تقاضای زن، نسبت به انجام کارخانه و شیر دادن به اطفال، به وی مزد دهد و حال آنکه در انجام کارهای مرد، لازم نیست زن چیزی به مرد بپردازد.

۵- و اموری دیگر: با توجه به احکام نامبرده، آنچه مرد در ارث به دست آورده در حقیقت بیشتر به